

پیامی از رسول اکرم

به خط امیرالمؤمنین، به برادر سلمان پارسی و کسان او

(درباره مراعات احوال ایشان و همچنین حرمت احوال شخصیه)

دکتر جهانگیر اشیدری

پیامبر اسلام در ۱۴ سده پیش، مردم، یا بهتر گفته شود بندگان خدا را به همزیستی مسالمت آمیز دعوت می فرمودند و در هر مورد حق و حقوقی برایشان قائل بودند.

پیشینه. به ۱۵ سده پیش یعنی اواخر دوره ساسانیان برمی گردیم. در آن دوران فرمانروایانی در ایران و روم، مصر و بابل تقریباً از سرزمین ایران تا روم و مصر و سرزمین فراغت تسلط و حکمرانی داشتند. در شبه جزیره عربستان دست نشاندهگان ساسانی در حیره (نزدیک کوفه کنونی) و سرزمین هاماوران یا حمیر (یمن کنونی) به خدمت اشتغال داشتند و جز برخی شهرهای بین راههای بازرگانی و یا نقاطی که از چشمه و آبی برخوردار بودند بقیه نقاط شبه جزیره آبادانی چندانی نداشت. انسانها و داستانهای زیادی در باره پادشاهان هاماوران آمده که سودابه دختر فرمانروای هاماوران یکی از زنان زیبایی است که دل از کیکاوس ربود که شرح مفصلی دارد و ما را فعلاً با آن کاری نیست. اما مطلبی که در این گفتار اهمیت خاصی دارد موضوع سلمان پارسی است که منجر به صدور فرمان مورد نظر گردید. باز باید توجه داد در زمان ساسانیان، مؤبدان و روحانیون نفوذ فوق العاده در دستگاهها کسب نموده بودند که در هر کاری مداخله و

بهار در بوستان و گلستان.

این عبارت، یادآور سخن خواجه عبدالله انصاری است که گفت: «دود از آتش و گرد از باد، چنان نشان ندهد که مرید از پیر، و شاگرد از استاد»، و بعید نیست که بهمینار از خواجه عبدالله و یا برعکس، اقتباس معنی کرده باشد، زیرا این دو حکیم و عارف معاصر یکدیگر بوده اند: بهمینار در سال ۴۵۸ و خواجه انصاری در ۴۸۱ هجری در گذشته است.

اعمال نفوذ می نمودند و این اعمال نفوذها موجب برای از هم گسیختگی امور گردید و عده‌ای را ناراضی نمود. یکی از ناراضی‌ها که خود از طبقه مؤبدان بود همان سلمان پارسی است که به دستور دینیار مشهور است و زندگی‌نامه مفصلی دارد که به اختصار چنین است: گفتیم از فساد که گریبانگیر موبدان شده بود هوشمندان قوم از آیین خود سر خوردند و آئین تازه‌ای را جست و جو می کردند در آن موقع آئین ترسا نیز در ایران نفوذ یافته بود. از همین جا بود که روزبه بن مرزبان، یا چنانکه بعدها خوانده شد، سلمان فارسی آئین ترسا گزید و باز خرسندی نیافت، ناچار در پی دینی تازه در شام و حجاز می رفت. در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی قزوینی پس از ذکر حدیث مشهور «السلمان منا اهل البیت» چنین می نویسد: [اصل آن بزرگوار را از اصفهان می نگارد از دهی که او را جیان نام بوده، نام نامی آن حضرت ناهیه بن بدخشان بن اذرجیس مردسلار، از نسب منوچهر ملک است. از دستش کاری بیرون آمد مجال اقامتش نماند فراراً به شام رفت به دیر راهبی از کبیرای ترسا نقل کرد در آن ملک نیز حادثه افتادش به بندگی به مدینه افتاد به دست جهودی نامش عثمان بن اسهل بود چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت فرمود او را بخرد و آزاد نمود و عهدی به خط شاه ولایت بنوشت که خلاصه ترجمه آن چنین است: «که این آزادنامه‌ای است که در سال اول هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت سلمان را در بندگی عثمان بن اسهل قرطی یهودی بود در حضور جمعی از صحابه مانند علی بن ابیطالب و ابوبکر و عمر و خدیفه و ابوداود و ابوذر و المقداد و بلال و ابوبکر و عبدالرحمن به خط علی بن ابیطالب فی شهر جمادی الاول من هجرة»]

پیش از آنکه درباره اصل فرمان که به عهدنامه نیز مشهور است بپردازد، چند کلمه هم درباره چگونگی و محل ضبط و ثبت آن تا آنجائیکه مدارک در دست است اشاره می نماید، در سال ۱۸۵۱ میلادی نشریه‌ای به زبان فارسی و عربی حسب الحکم سرجمشیدجی در هند به چاپ می رسد که در آن ازدو عهدنامه یکی به فرمان پیامبر و خط امیرالمومنین و دیگری به دستور امیرالمومنین و خط امام حسین که اولی به عنوان برادر سلمان و دومی به عنوان فرزندان آذرباد مهر اسفند بهرام شادین خیرادرس رئیس دهقانان و از بهر خاندان او. در آن جزوه چنین آمده: باید دانست که این هر دو عهدنامه مسطوره الصدر نوشته قدیم صدها سال است و از خاندان قدیم ذوی الاعتبار، از شهر سورت، در اینجا به جامع این سهراب جی جمشیدجی رسیده و اضافه می نماید هر صاحبی را که زیارت آن منظور باشند به معرفت عالیشان اردشیر میتای پنجایت آنرا ملاحظه فرمائید. اضافه می نماید در سال ۱۳۲۰ قمری دفترچه با توضیحاتی در تهران تجدید چاپ گردید. توضیحات زیر را نیز به نقل از کتاب فرزنانگان زرتشتی درباره اصل و موارد بالا به اختصار می آورد:

رشید شهرمدان مؤلف فرزنانگان می نویسد به هنگامی که مانکجی هاتریا در ایران

بود (زمان ناصرالدین شاه) تعدادی کتب نفیس و خطی از گوشه و کنار خریداری و یا رونویس نمود که به همراه مقداری سکه در ۶۰ صندوق از طریق بوشهر حمل هندوستان می‌نماید که ۲۰ صندوق مفقود و بقیه پس از یکسال و نیم به بمبئی می‌رسد و آنهم در گوشه کتابخانه و هوای مرطوب دچار کرمهای مخرب و هوای نامناسب می‌شود و برخی هم از بین می‌رود در بین کتابها نامه مهمی از مهدی فروغ بن شخان که به خط اوستا نوشته شده ضمن سایر کتب از دسترس خارج می‌شود. نامه دیگری در همین زمینه جزو مجموعه مانکجی به شماره ۳۰۴ محفوظ مانده است.

نویسنده توضیحات تکمیلی دیگری درباره نامه‌های بالا و سایر نامه‌ها می‌دهد که چون گفتار را بدرازا خواهد کشانید از ذکر آنها صرف نظر و جویندگان و پویندگان را به کتاب مزبور حواله می‌دهد. درجایی دیگر می‌نویسد چون سلمان اعراب را به کشور گشائی مصمم دید از عمر بن خطاب پیمان نامه گرفت تا اعراب بازتشتیان به مهربانی رفتار نمایند و ایران را ویران ننمایند. عمر پیمان نامه داد ولی مثل اینکه برابر آن رفتار نشد. اکنون به ذکر فرمان و عهدنامه پیامبر پرداخته و بقیه را به گفتار دیگری موکول می‌نماید. توضیحاً اضافه می‌نماید که عهدنامه مزبور در کتاب زین العابدین رهنما به نام پیامبر نیز مشروحاً آمده است.

به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر مهربان

اصل این نسخه به خط امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه بر چرم سرخ گوسفند نوشته شده است. این فرمان از جانب رسول صلی الله علیه وسلم به برادر سلمان فارسی رضی الله عنه که مهدی فروغ بن شخان نام داشت و اهل بیت او، و اولاد او که بعد از آن پیدا شوند خواه مسلمان شوند و خواه بر دین خود قایم باشند مرقوم گشته. سلام خدا بر تو باد به تحقیق که خدای تعالی حکم کرده است که بگوییم: «لا اله الا الله وحده لا شریک له» که نیست کسی قابل پرستش غیر از خدائی که در ذات خود واحد است و شریک ندارد.

همه خلایق را ظاهر کنم که خدایتعالی: آفریدگار همه چیزها است و تمام کارها از اوست پیدا کرد ایشانرا و زندگانی داده و می‌میراند و باز زنده خواهد کرد ایشانرا به روز قیامت و باز گشت همه به سوی اوست.

«وکل امری یزول و یفنی و کل نفس ذائمه الموت» یعنی تمام چیزها زایل شدنی و فانی شدنی هستند و هر کس ذائقه موت را خواهد چشید و کسی امر خدا را ردکننده نیست و در سلطنت او نقصانی و در بزرگی او نهایتی نبود و کسی در ملک او شریک نباشد. «سبحان مالک السموات والارض الذی یقلب الامور کما یرید» یعنی پالک است آن مالک

زمین و آسمان می گرداند هر چیز را چنانکه می خواهد و هر چه می خواهد در خلق می نماید و گویندگان تعریف او را احاطه نمی توانند کرد که فکر و وهم بدانجا نمی رسد آن خدائی که کتاب خود را به الحمد لله آغاز نموده و برای تلاوت مردمان مذاکره گردانید و از بندگان خود که شکرگذار اویند راضی می باشد. من حمد می کنم خدا را که هیچ کس شمار آن نتواند کرد از آنچه حمد اوست. «اشهد ان لا اله الا الله» یعنی گواهی می دهم که به تحقیق نیست کسی قابل پرستش مگر حق تعالی که نگاه دارنده است.

«يا ايها الناس اتقوا ربكم واذكرواليوم ضعفة الارض» یعنی ای مردمان بپرهیزید و تابع پروردگار خود باشید و از روز قیامت و زلزله زمین یاد آرید و از آتش دوزخ و انقلاب زمانه و پشیمانی آنروز و حاضر آمدن به حضور خداوند خود به خاطر آرید که اینها همه برحق خواهد بود. من شما را حکم کردم به آنچه پیغمبران سابق حکم کرده اند البته پرسیده شوید از روز قیامت و آنچه بعد از این خواهد شد آنرا به واجبی بدانید.

پس هر که بر خداوند ایمان آورد و آنچه از کلام مجید از پروردگار من بر من نازل گشته آنرا راست داند، برای او آنست که برای ما است از خوبی دنیا و فرحت آخرت و او در بهشت برین با ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین در خرمی خواهد بود و از عذاب دوزخ خلاصی و امان خواهد یافت «هذا ما وعد الله المؤمنين و ان الله یرحم من یشاء و هو العليم الحکیم شدید العقاب لمن عصاه و هو الغفور الرحیم» یعنی اینست آنچه وعده کرده است خداوند عالم، مؤمنان را و به تحقیق پروردگار رحمت می کند بر هر که می خواهد و او دانا و صاحب حکمت است و هر که نافرمانی او را کند بر او عذاب سخت خواهد بود و او صاحب مغفرت و رحمت است. «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعاً متصدعاً من خشية الله.» یعنی اگر نازل کنیم این قرآن مجید را بر کوه هر آینه ببینی تو آنرا که می گرید و پاره پاره می شود از خوف خدا و دل آدمی بدان مثابه سخت نیست اگر بدان نگرود. پس او از گمراهان خواهد بود و هر کس به خداوند پاك ایمان آورد و بر دین او و پیغمبران او بگردد او بدرجات بلند خواهد رسید و رستگاری خواهد یافت. و این فرمان او برای برادر سلمان فارسی رضی الله عنه و برای اولاد اوست ذمه خداوند عالم که مال و جان اینها آزاد است. ایشان بر هر زمین و کوه و دشت بمانند و چشمه و چراگاه داشته باشند، بر آنها ظلم نباید کرد و به هیچ وجه بر آنها کار را سخت نباید گرفت و هر که پیش آنها این فرمان من خوانده شود باید که حفاظت کننده و برائت ذمه آنها بشناسند و ظلم از ایشان باز دارند و به اذیت و مکاره بر آنها متعرض نشوند. به تحقیق که من از ایشان جزیه و لوازم زناز و گرفتن آنها را به بیگاری و صخره و از هر قسم محصول و غیر جعلگی را تا روز حشر و نشر معاف نمودم و دستهای ایشان را بر نمازخانه های ایشان مطلق گردانیدم و ایشان ممانعت کرده نشوند از پوشیدن لباسهای

فاخره و سواری اسبان و بناء خانها و اصطبل و حمل جنايز و نمودن آن كارها كه متعلق به دين و مذهب ايشانست و برساير ملت‌هاى اهل ذمه ايشان را تفضيل بايد داد كه حق سلمان فارسى را ادا نمودن بر همه مؤمنين لازم است یرحمهم الله: در وحى آمده است «ان الجنة الى سلمان اشوق من سلمان الى الجنة» يعنى جنت به طرف سلمان بيشتر از آن شوق دارد كه سلمان به سوى بهشت و او دوست من و امين من و ناصح رسول الله و جميع مؤمنان است.

و سلمان از ماست پس هيچ كس اين وصيت را خلاف نكند از آنچه از حفاظت و خوبى براى سلمان و اهل بيت و اولاد اوست بجا آرد خواه اولادش اسلام قبول كنند يا بر دين خود باشند.

هر كه اين حكم مرا قبول كند در رضاى خدايتعالى خواهد بود و هر كه خدا و رسول خدا را خلاف كند بر او لعنت خواهد بود تا روز قيامت.

و هر كه با فرمان گذاران من نيكوئى كند گويا با من نيكي كرده باشد حق تعالى او را جزاى خير دهد و هر كه به آنها بدى كند و اذيت رساند گويا به من اذيت رسانيده و من مدعى او خواهم شد در روز قيامت و جزاى او آتش جهنم است و من از او برى و بيزارم السلام عليكم والتحية لكم من ربكم.

و نوشت اين فرمان را على بن ابى طالب به امر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم به حضور ابوبكر و عمر و عثمان و طلحه و زبير و عبدالرحمن بن عوف و سلمان و ابوذر و عمار و صهيب و بلال و مقداد ابن اسود و جماعت مؤمنين رضوان الله عليهم اجمعين. اين نشان مهر نبوت است كه بود در ميان شانه بنى عربى محمد القريشى صلى الله عليه و على آله و اصحابه و سلم تسليماً كثيراً.

«هذا الخاتم كان في كنف النبي العربي و بشرح بالا...»

چنانچه گفته شده آقاي زين العابدين رهنما مشروحاً درباره اين فرمان و چگونگى و شرح حال سلمان و نظريات پيامبر نسبت به او مراتب را آورده است.

خوشبختانه رهبر انقلاب و آيات عظام همواره و بهر هنگام رعايت و حفظ حقوق اقليت‌ها را در حكومت اسلامى تأكيد نموده‌اند. چنانچه در اسفندماه ۱۳۵۷ به هنگامى كه عده‌اى از زرتشتيان بديدارشان در مدرسه علوى رفته بودند فرمودند شماها در کنار اسلام هستيد يا آيت الله صدوقى در مسجد حضيره يزد درباره زرتشتيان گفتند اينان ريشه و تنه و بقيه شاخه هستند. به هنگامى كه عده‌اى از معتمدان و مؤبدان در قم با آيت الله منتظرى ملاقات نمودند باز هم دستوراتى مبنى بر رعايت حقوق زرتشتيان به زبان آوردند كه مراتب در يكي از نمازهاى جمعه نيز انعكاس يافت، با توجه به نكات اشاره شده، و برخى مواد قانون اساسى و قانون تشكيل انجمن‌ها و قانون احوالات شخصيه، اکنون بر نماينده زرتشتيان در مجلس شورى اسلامى و انجمن‌ها و قاطبه جماعت است با توجه به «اطيع الله و اطيع الرسول و اولى الامر و منكم» رشد خود را نشان داده و طورى عمل نمايند كه فرمان پيامبر شامل حال آنان شده و گرفتار عواقب لايحه قصاص نشوند.